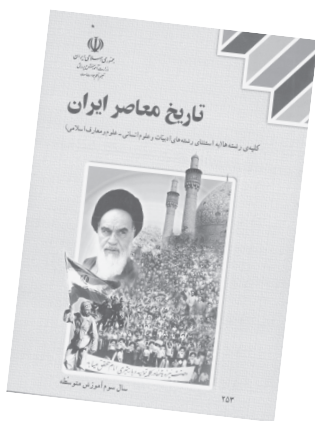


نگاهی به کتاب تاریخ معاصر ایران

سال سوم آموزش متوسطه



محمد عبا فافها - دبیر دبیرستان‌های ناحیه ی یک
آموزش و پرورش شهرستان قزوین

بررسی و تحلیل رویدادهای تاریخ معاصر، به لحاظ پیوند آن با شرایط و موقعیت کلی زمان حال، و نیز گستره‌ی وسیع اسناد و مدارک و دیگر منابع موجود در این مقطع، معمولاً در همه جا پرچالش‌ترین و بحث‌برانگیزترین بخش مطالعات تاریخی را تشکیل می‌دهد. در ایران، به دلیل وقوع سه حرکت اجتماعی نهضت مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی در سده‌ی اخیر، و تقابل نیروهای اجتماعی متعارض بر سر آن، این حساسیت‌ها خصوصاً در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری درسی، مضاعف است. از همین رو، نگارش «کتاب درسی تاریخ معاصر ایران، سال سوم آموزش متوسطه»، فراز و فرود زیادی را طی کرده و بارها، نقد نکات مثبت و منفی کتاب‌های تألیفی در این زمینه، به عرصه‌ی نشریات عمومی و تخصصی کشور راه برده است. شاید توجه به همین حساسیت‌ها و نقدها، «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» را بر آن داشته است که کتاب تاریخ معاصر ایران، سال سوم آموزش متوسطه کلیه‌ی رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، و علوم و معارف اسلامی) را در سال ۱۳۸۵ مورد بازنگری قرار دهد و چند تألیف مستقل دیگر برای این درس را نیز در دست چاپ داشته باشد.

داشتند. بررسی و نقد کتاب تاریخ معاصر ایران سال سوم آموزش متوسطه چاپ ۱۳۸۵ که توسط آقایان دکتر حداد عادل، دکتر نصراله صالحی، مسعود جوادیان و با همکاری جمشید نوروزی و حشمت‌اله سلیمی تألیف شده است، موضوع اصلی دوره‌ی مذکور را تشکیل می‌داد. به همین منظور دکتر صالحی که مدرس دوره نیز بود، همکاران شرکت‌کننده در دوره‌ی آموزشی را که در دو کلاس حضور داشتند، به گروه‌های ۴-۶ نفره تقسیم کرد و از اعضای هر گروه خواست، به عنوان بخشی از فعالیت آموزشی، با انتخاب یکی از درس‌های کتاب، به بررسی و نقد آن اقدام کنند. سپس با پایان یافتن کار، یک نفر به عنوان نماینده‌ی گروه، حاصل بررسی و نقد گروهی را در جلسه‌ی مشترک هر دو کلاس عرضه کند.

این کار در زمان مقرر انجام شد. البته هنگام گزارش نقد و بررسی، بین همکاران حاضر گفت‌وگوها و مناظراتی پیش می‌آمد که عمدتاً به روشن شدن بیشتر موضوع کمک می‌کرد. در پایان دوره، دکتر صالحی ضمن در اختیار نهادن یادداشت‌های مربوط به نقد و بررسی گروه‌ها، از نگارنده‌ی این سطور خواست، بر پایه‌ی نظرات همکاران حاضر در این گروه‌ها، نقدی بر کتاب مذکور نوشته شود. نگاشته‌ی زیر حاصل

به هر حال، برای بررسی کتاب مذکور و با هدف تأمین مدرس آموزش ضمن خدمت درس تاریخ معاصر استان‌ها، دوره‌ای ۴۰ ساعته در شهریور ماه سال جاری در «مرکز تربیت معلم شهید ثانی تهران» برگزار شد که در آن، حدود ۷۰ نفر از دبیران تاریخ سراسر کشور شرکت

انجام این کار است. نگارنده در مواردی، به منظور احتراز از اطناب و یا مضایق دیگر، از ذکر پاره‌ای نظرات صرف نظر کرده و گاه در برخی نکات کتاب تأمل بیشتری روا دیده و مجموع آن‌ها را با منابع و مستندات تاریخی، مورد سنجش قرار داده است. بر این اساس، بررسی و نقد کتاب در دو بخش ارائه می‌شود: نخست نگرش کلی به کتاب، و دیگر نقد جزئیات آن.

الف) نگرش کلی

بررسی و نقد هر کتاب را می‌توان از زوایا و براساس مزایای متفاوت صورت داد. یکی از زوایای گشوده به نقد کتاب تاریخ معاصر ایران سال سوم آموزش متوسطه، مقایسه‌ی این کتاب است با تألیفات پیشین. در نگاه نخست، این کتاب به لحاظ اشتغال بر تصاویر، جداول، نمودارها و نقشه‌ها که عمدتاً متناسب با موضوع تاریخی مورد بحث هستند، از کتاب پیشین خود متمایز و از جذابیت بیشتری برخوردار است. هم‌چنین وجود بخش‌های جانبی، مانند «یک توضیح»، «بیشتر بدانید»، «فکر کنید و پاسخ دهید»، پرسش‌های نمونه، و اندیشه و جست‌وجو که در مقایسه با تألیفات قبلی از تنوع و عمق بیشتری بهره‌مندند، می‌توان ضمن پاسخ‌گویی به بخشی از ابهامات دانش‌آموزان، ذهن آنان را به تأمل و اندیشه‌ی بیشتر در مسائل تاریخی معطوف سازد و در مواردی، به انجام تحقیق و پژوهش تاریخی سوق دهد. زیرنویس‌های صفحات کتاب نیز که به اقتضای موضوع، گاه جزئیات یک مطلب را یادآور شده و گاه در موضوعی به مأخذی ارجاع داده، و یا آوا نوشت لاتین اسامی و اصطلاحات مبهم تاریخی را قید کرده‌اند، به علمی‌تر شدن کتاب و اجتناب از برخی اشتباهات تاریخی در میان معلمان و متعلمان این درس یاری رسانده‌اند.

«توضیح اعلام و مفاهیم» هم که برای اولین بار ضمیمه‌ی کتاب تاریخ معاصر شده است، بر میزان آگاهی‌های دانش‌آموزان می‌افزاید و از مزایای دیگر این کتاب به شمار می‌رود. با تأمل بیشتر در صفحات کتاب مشخص می‌شود که از قضاوت‌های احساسی درباره‌ی شخصیت‌ها و جریان‌های تاریخی که معمولاً در تاریخ‌نگاری ما به چشم می‌خورد، در کتاب تاریخ معاصر بازنگری و چاپ شده در سال ۱۳۸۵، آثار کمتری باقی مانده است. حجم کتاب نیز با ساعات درس تاریخ منطبق است و این، امکان بهره‌بردن از روش‌های فعال تدریس و گفت‌وگوی بیشتر درباره‌ی مسائل تاریخی را در کلاس فراهم می‌آورد. اما از این نکات که بگذریم، در نگرش کلی به کتاب، ابهامات و گاه ضعف‌هایی به نظر می‌رسد. نخست این که نویسندگان محترم در

سرآغاز کتاب، تحت عنوان «سخنی با دبیران»، به اجمال چند نظریه را درباره‌ی سرآغاز تاریخ معاصر ایران مورد اشاره قرار داده تأسیس سلسله‌ی صفویه، تأسیس سلسله‌ی قاجاریه، و آغاز جنگ‌های ایران با روسیه، به عنوان سرفصل تاریخ معاصر، رئوس آن نظریات را تشکیل می‌دهند. در این جا به نظریه‌ی مطرح دیگری که مشروطیت را نقطه‌ی آغازین تاریخ معاصر قلمداد می‌کند، اشاره‌ای نشده است. استدلال‌ها و استنادات مبنایی هیچ‌کدام از آن نظریات نیز ذکر نشده‌اند که البته در مجال اندک توضیحات کلی درباره‌ی کتاب، شاید پرداختن به آن مسائل مناقشه‌انگیز نیز مقدور نبوده است.

اما آن‌چه که جای تأمل دارد، قرار گرفتن فصلی تحت عنوان «نگاهی گذرا به تاریخ ایران از آغاز تا قاجاریه»، در درس اول کتاب تاریخ معاصر ایران است که مروری بسیار فشرده بر تاریخ ایران پیش از تاریخ تا سرآغاز قاجاریه، محتوای آن را تشکیل می‌دهد. مؤلفان محترم در مقدمه‌ی این درس، هدف خویش از پرداختن به این مقطع طولانی تاریخ ایران را، یادآوری مباحث تاریخی دوره‌ی راهنمایی، برای درک بهتر جریان‌ها و حوادث تاریخ معاصر ذکر کرده‌اند (ص ۱). اما صرف نظر از این که بین وقایع تاریخ باستان و رویدادهای تاریخ معاصر هیچ پیوند مستقیم و بلاواسطه‌ای دیده نمی‌شود که شناخت آن، شرط درک تحولات تاریخ معاصر محسوب می‌شود، مطالب این درس نیز نه ارتباط روشنی با درس‌های بعدی برقرار می‌کند، و نه این که به لحاظ الزام مؤلفان بر ایجاز و اختصار عناصر اصلی یک گفتار تاریخی، یعنی زمان و مکان و چگونگی یک رویداد تاریخی در آن آشکار می‌شود. شاید بهتر این باشد که ایجاد آمادگی ذهنی دانش‌آموز برای ورود به تاریخ معاصر، به دبیران این درس واگذار شود؛ کاری که معلمان آن را معمولاً در جلسه‌ی نخست تدریس خویش با طرح چند پرسش به عنوان ارزش‌یابی تشخیصی و معین کردن نقطه‌ی آغازین جریان آموزش، انجام می‌دهند.

نکته‌ی دیگر مربوط به سرآغاز تاریخ معاصر ایران است. درس دوم کتاب، با توضیحات مؤلفان محترم درباره‌ی پیشینه‌ی ایل قاجار و کوشش‌های قاجارها برای کسب قدرت سیاسی در ایران آغاز می‌شود. بدین ترتیب آشکار می‌شود، مؤلفان کتاب، تأسیس سلسله‌ی قاجاریه را سرآغاز تاریخ معاصر ایران تلقی می‌کنند. با این حال، توضیحاتی درباره‌ی مبنای این مرزبندی عرضه نداشته‌اند یا روال مطلب به گونه‌ای نیست که دانش‌آموز، تمایز این روزگار را از روزگاران پیشین خود استنباط کند. در همین درس، در تبیین وضعیت ایران در دوره‌ی فتحعلی‌شاه، مؤلفان به بررسی روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی

(فرانسه، انگلستان و روسیه) پرداخته‌اند و ناکامی‌های فتحعلی‌شاه را در عرصه‌ی سیاست خارجی متذکر شده‌اند و البته مسئولیت آن را به حساب فتحعلی‌شاه گذاشته‌اند (ص ۱۹). اما اگر بپذیریم که ورود ایران به دوره‌ی تاریخ معاصر، بر اثر رویارویی جامعه‌ی ایران با غرب جدید و استعماری بوده است، در این صورت لازم است، پیش از پرداختن به روابط خارجی ایران عصر فتحعلی‌شاه، به مجموعه شرایط تاریخی ایران از حیث سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... در ابتدای این دوره توجه گردد تا تحول شرایط تاریخی ایران در دوره‌ی تاریخ معاصر آشکار شود.

دیگر این که کوشش در دسته‌بندی مسائل تاریخی - شاید برای تسهیل فراگیری آن توسط دانش‌آموزان - در برخی موارد به کم‌رنگ شدن پیوند منطقی رویدادها انجامیده است. برای مثال، با این که سیاست خارجی فتحعلی‌شاه تابعی از تقابل ایران با روسیه تزاری است، نویسندگان محترم ابتدا به روابط ایران با فرانسه پرداخته‌اند، سپس به روابط ایران با انگلستان توجه کرده‌اند، و دست آخر روابط ایران با روسیه و جنگ‌های دو کشور را مطرح ساخته‌اند. آن‌گاه بدون این که در آثار و پیامدهای شکست‌های ایران از روسیه تأملی صورت گیرد، در درس سوم، به بررسی «ایران در دوره‌ی محمدشاه و ناصرالدین‌شاه» پرداخته‌اند و پیدایش جریان اصلاح‌گرایی در ایران عصر قاجار را که به صورت مستقیم با شکست‌های ایران از روسیه در ارتباط است، پس از پایان مبحث جنگ‌های ایران با روسیه و در درس چهارم مورد توجه قرار داده‌اند.

در همین زمینه باید یادآور شد، برای فهم جریان تاریخ معاصر ایران که برابند تقابل ایران و غرب استعماری است، لازم است نیم‌نگاهی به تحولات دنیای غربی داشت و برای حصول چنین مقصودی، حداقل ضرورت دارد، در کنار گاه‌شماری هجری به گاه‌شماری میلادی، در تعیین زمان رویدادها خصوصاً در روابط ایران با کشورهای غربی، توجه داشت؛ چیزی که در این کتاب نادیده انگاشته شده است.

نکته‌ی دیگر که در بررسی کلی کتاب قابل توجه است، تمرکز مطالب کتاب خصوصاً درس‌های هشتم تا پانزدهم، حول محور رویدادهای سیاسی و کم‌التفاتی به تحولات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی تاریخ معاصر ایران است. اگر بپذیریم که زندگی اجتماعی انسان پدیداری متکثر، و منظومه‌ای چندوجهی است که شیون متفاوت آن از یکدیگر متأثرند، در آن صورت روشن است که درک چرایی دگرگونی‌های سیاسی، بی‌اعتنا به پدیدارهای فرهنگی،

اجتماعی و اقتصادی موازی آن، ممکن نیست و تأکید بر رویدادهای سیاسی صرف در بررسی‌های تاریخی، به ارائه‌ی تصویری ناقص از واقعیت تاریخی می‌انجامد. شاید نگاه توصیفی نویسنده‌ی محترم درس‌های پایانی کتاب به تحولات نیم‌قرن اخیر ایران، با همین کم‌اعتنایی به ساختارها و تحولات فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی تاریخ معاصر ایران در پیوند باشد؛ آن‌چه که موجب شده تا نویسنده کمتر به تحلیل رویدادها و تبیین چرایی وقوع رخدادها و آثار و نتایج آن‌ها عنایت ورزد و بیشتر به ارائه‌ی تصاویری ثابت از وقایع و شخصیت‌های تاریخی اکتفا کند. بدین ترتیب است که زمینه‌ها، عوامل و پیامدهای رویدادهای مهمی در تاریخ ایران، هم‌چون کودتای سیاه، واقعه‌ی شهریور ۱۳۲۰، نهضت ملی شدن نفت، تسخیر سفارت آمریکا، و... تبیین بسنده‌ای نمی‌یابند.

آخرین نکته درباره‌ی اعلام و مفاهیم کتاب آن‌که توضیح برخی از اصطلاحات به کار رفته در کتاب، هم‌چون سوسیالیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم و... ناگفته مانده است.

در پایان لازم به یادآوری است، به باور نگارنده، کتاب تاریخ معاصر ایران علی‌رغم نواقص و گاه لغزش‌هایی که در آن دیده می‌شود، در کلیت خویش از چنان نکات قوتی بهره‌مند است که بتوان آن را یک گام به جلو در تاریخ‌نگاری درسی ایران تلقی کرد و بر پایه‌ی آن، امکانات تألیف کتب آموزشی تاریخ را به صورت نوین فراهم ساخت.

منابع

۱. مؤلفان. اطلس تاریخ ایران. سازمان نقشه‌برداری کشور. بی‌جا. چاپ اول. ۱۳۷۸ ش.
۲. شمیم، علی اصغر. ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار. انتشارات مدبر. بی‌جا. چاپ هفتم. ۱۳۷۵ ش.
۳. ماله، آلبر و ایزاک، ژول. تاریخ قرن هیجدهم انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون. ترجمه‌ی رشید یاسمی. بی‌نا. تهران. چاپ ششم. ۱۳۶۴.
۴. بینا، علی اکبر. تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران (ج ۱). انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم. ۱۳۴۸.
۵. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. تاریخ روابط خارجی ایران. انتشارات امیرکبیر. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۷۵.
۶. فوگل، اشپیل. تمدن مغرب زمین (ج ۲) ترجمه‌ی محمدحسین آریا. انتشارات امیرکبیر. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۷. قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم. منشآت. انتشارات شرق. بی‌جا. چاپ دوم. ۱۳۷۳.
۸. کرمانی، ناظم الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. انتشارات آگاه. تهران. چاپ سوم. ۱۳۶۱.